



یک!

آخر شب بود، اینکه چرا شب ها بیدار می مونه و صبح ها می خوابه بر می گرده به خیلی سال ها قبل. داشت می گشت ببینه کجا می تونه چاپش کنه، یه مقاله مونده بود تو گلوش، انگار عقده ی نمره نگرفتن سر نوشتن این مقاله، هنوز بعد از گذشتن یه ترم و نشده، سر کلاس حاضر بود، حداقل بیشتر از اون هایی که نمره نوزده و بیست رو یدک می کشیدن، فعالیت های کلاسی شم انجام میداد، بدون آمادگی سر کلاس نمی رفت وقتی یاد نمره شونزده اش میفته حرصش می گیره، کمتر از بیست حقتش نبود این رو خود مثلن استاد هم می دونست، آخه انصاف نیست تو برگه بگیری چهارده اونوقت از شیش نمره باقی مونده که یه نمره اشم حضور در کلاس بوده دو بگیری؟ ریاضی ام که بلد نباشی با یه حساب سر انگشتی می فهمی نمره یه مقاله بیست صفحه ای شده !!

اون روز بعد از دیدن نمره اش، اولین کاری که کرد دوباره خوندن مقاله بود، یه سوال بود که ول کنش نبود، انگاری با این نمره یک رفته بود زیر سوال ؟
دقیقن اینجا!

بی مقدمه رفت سراغ مقدمه، همراه ترین عمل هر شخص، از ابتدای تعلیم برای ورود به زندگی دینی خواندن نماز است، نماز برای یک مسلمان یادآور روزهای شیرین کودکی کنار حوض مسجد یا امامزاده ی محل و وضو گرفتن با خنکای آب است. اهمیت نماز به قدری است که مادر و پدر مسلمان از همان کودکی فرزند خود را با صبر و حوصله و حتی خریدن هدایا تشویق به خواندن نماز می کنند و شاید این رسم عاشقانه ی دینی بی ربط به این حدیث نبوی نباشد که حضرتش می فرماید : «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»

نماز ، معراجی است که شروع پرواز آن با صدای خوش مؤذن آغاز می گردد. صوتی که علاوه بر حمل مضامین بلند عرفانی که در عمق الفاظ اذان نهفته است، همراه با الحان پرورش یافته در هنر مقدس اسلامی که حول حقیقت محمدیه می گردد روح را به گردش در آفاق و انفس وادار می کند و هر جان عاشقی را برای ورود به یک ارتباط معنوی آماده می سازد. اذان یک نماد ویژه برای آخرین دین الهی یعنی اسلام است. فرد مسلمان که عنوان خلیفه الاهی را دارا می باشد با صدا و لحنی که از وجودش برخاسته جمع مسلمانان را دعوت به حضور در محضر پروردگار می کند. این اوج شکوه و تعالی دینی است که مسلمانان بدون واسطه هایی چون صدای ناقوس ، طبل یا زنگ که در عرف ادیان دیگر رایج است ، فقط با صدای انسان خلیفه الله آغازگر یک ارتباط معنوی

می شود. این فراخوان و دعوت علاوه بر اعلام وقت نماز ، نشان دهنده محل اقامه ی نماز جماعت است که با حضور دسته جمعی دارای سبکی خاص برای اقامه نماز می باشد .

بعد از ارتباط برقرار کردن فرد مسلمان به واسطه ی صدای مؤذن با عالم معنویت این بار نوبت اوست ، تا با شستشوی ظاهری که با ترتیبی خاص انجام می گیرد و دارای آداب مخصوص می باشد، مسیر ارتباط با عالم ملکوت را نزدیکتر کند چنانچه در آداب اسلامی برای وضو علاوه بر شستشوی اعضای خاص بدن نظیر صورت و دست ها با آب ، که مظهر پاکی و طهارت است ، ادعیه و اذکار خاصی نیز وارد شده است، بنابر احادیث و روایات با خواندن این دعاها تمام بدن پاک و طاهر می گردد. این ارتباط برقرار کردن بین ظاهر و باطن در همین ابتدای ورود برای اقامه نماز ، مقدمه ای برای ارتباط برقرار کردن جهان صغیر عبادی با جهان کبیر عبادی است و بالطبع اتصال عالم ماده با عالم ارواح و یا به تعبیر دقیق قرآنی ارتباط بین عالم غیب با عالم شهاده می باشد.

خودشم می دونه خوب نیست آدم اینقد منیت داشته باشه با این حال میشه بهش حق داد شاید می خواد با این من من کردنا به کم خودش رو آرام کنه. عصبانی نیست ولی فکرش مشغوله، به یه کلاس هفده جلسه ای از نوع انسان شناسی دینی. داره به مقاله چای و زندگی روزمره شهری یا مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست شهری فکر می کنه، این دومیه، بیشتر از همیشه داره حالش رو به هم میزنه، به خودش میگه اگه به جای نوشتن صلاتنا زندگی به سبک نماز، صلاتنا دین گریزی به سبک نماز رو نوشته بود حتمن نمره انسان شناسی اش بیست می شد! آدم حیرت می کنه وقتی می بینه تعریف طرف از دیدن، فقط بدی ها رو دیدن. یعنی من انسان شناس دین، حق ندارم اگه فقط خوبی دیدم از خوبی بگم! یعنی اونکه بدی ها رو دید و گزارش کرد حقش بیست اما من که خوبی ها رو دیدم آخَمْ، منفی. من اگه از ثمره نماز اینجوری بگم انسان شناس نیستم :

مهم ترین ثمره نماز برای فرد مسلمان که اهتمام ویژه ای برای اقامه ی آن دارد، ادب حضور در مقابل بارگاه ربوبی است. پوشیدن لباس های زیبا و پاک ، استفاده از عطرها و خوشبو و مسواک زدن که هرکدامشان علاوه بر جنبه ی شرعی ، یک جنبه روحانی هم دارد. پوشیدن لباس های پاکیزه باعث ایجاد عزت نفس و احترام به خود و حضرت حق که مورد ستایش قرار می گیرد می باشد و استفاده از عطرها و خوشبو و اولین ارتباط انسانی را با دنیای طبیعی که حول نمازگزار در چرخش است برقرار می کند

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری به غفلت بخوری

بهداشت شخصی گامی مؤثر برای توجه به صحت جسمانی ، برای داشتن بدنی سالم و عاری از بیماری برای انجام صحیح افعال نماز است که هرکدام از این افعال پرده ای از غیب را برای نمازگزار می شکافد و حجاب های بین خالق و مخلوق را کنار می زند تا نفس ضعیف انسانی بی واسطه ترین ارتباط معنوی را با خالقش برقرار کند.

نکته دیگری که نمازگزار برای بهتر برقرار شدن این ارتباط به آن توجه می کند ، ایجاد یک فضای معنوی می باشد. خواندن نماز چه به صورت فرادا یا جماعت هر کدام سبک خاص خود را دارد. فرد مسلمان همیشه سعی در خواندن نماز جماعت دارد چه بسا طبق روایات خواندن نماز به صورت فرادا و ترک نماز جماعت بدون عذر مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد، البته در نگاه عامه عکس این موضوع صدق می کند و تصور بر این است که خواندن نماز به صورت جماعت نیاز به یک مرجح برای ترجیح دادن آن دارد. اما فارغ از اینکه نماز های واجب یومیه به صورت فرادا یا جماعت خوانده شود ، نماز های مستحبی مثل نماز شب که در دل شب خوانده می شود فضای معنوی خاص خود را دارد. فرد مسلمان برای خواندن نماز در خانه خود محلی خاص را به این امر اختصاص می دهد و معمولاً یک جانماز که مزین به اذکار و اسماء ائمه می باشد برای خود تهیه کرده است. این جانماز و محل عبادت ، شروع یک سیر و حرکت معنوی فرد مسلمان به سمت مبدأ و معبود می باشد ، جانماز هر فرد مسلمان نشان دهنده عمر معنوی او نیز می باشد. طرح اصلی سجاده معمولاً محراب است. نقش قندیل، ستون و سر ستون هم در سجاده معمول است. دوران طلایی بافت سجاده اوایل سده یازدهم هجری قمری بوده است چنانچه با کمی توجه در سبک و طراحی یک جانماز می توان قدمت آن را مشخص کرد که معمولاً طرح جانماز های قدیمی با دست های هنرمندان مسلمان دوخته می شد برعکس جانمازهای امروزی که اکثراً چاپی می باشد حتی طرح جانمازها در موقعیت ها جغرافیایی و زمان های مختلف متفاوت بوده است به عنوان مثال شیعیان در بالای محراب، یا در حاشیه سجاده کتیبه‌هایی به نام معصومین و اشعاری در مدح ایشان و کلماتی چون یا هو یا حروف ابجد مانند ۱۲۱ معادل کلمه یاعلی و ۱۱ معادل کلمه هو نقش می کرده اند. در حالی که سجاده‌های ایرانی با گل و بوته و نقش جانوران زیاد دیده شده، سجاده‌های مناطق دیگر مانند آسیای صغیر-هرگز با شکل حیوانات دیده نمی‌شود. سجاده‌های بافت بلوچ، افغان و ترکمن رنگ متن قرمز سیر، ارغوانی تیره یا مشکی دارند. با این توصیف یک جانماز نشان دهنده عمر یک نمازگزار و حتی فرهنگ ، قومیت و نشان از آداب و رسوم و اعتقادات نمازگزار دارد. آنچه فصل جدانشدنی یک جانماز می باشد مهر است که معمولاً از جنس خاک می باشد که بعضی از مفسران این سجده بر خاک را یادآور این آیه ی قرآن یعنی إنا لله و إنا إليه راجعون می دانند. ما از خاکیم و به خاک باز می گردیم چنانچه خلقت اولیه انسان از خاک بوده و باز در خاک دفن می شود این یادآوری برای فرد مسلمان چون واعظی است که بدون سخن گفتن و منبر رفتن او را از ارتکاب به اعمال ناشایست در طول شبانه روز که او را از مسیر قرب الی الله دور می کند باز می دارد. شاید دومین جز مرسوم در همه جانماز ها تسبیح باشد. تسبیح مجموعه‌ای از مهره‌هایی گرد است تا بدان شمار سبحان‌گویی و دیگر ذکرها و وردها را نگاه دارند، تعداد مهره‌های تسبیح، صد عدد می باشد که به وسیله یک نخ به هم اتصال دارند. این اتصال و انفصال در تسبیح تفسیری عرفانی فلسفی دارد و نشان دهنده این جمله حکما وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت می باشد ، سررشته این نخ و مهره ها اجتماع مسلمانان و حرکت دسته جمعی آنان

را در عین اختلاف در مراتب وجودی مختلف نشان می دهد ، که همه به سمت یک مبدأ واحد به نام توحید در حرکت اند. مرسوم ترین ذکری که با تسبیح گفته می شود بعد از نماز های یومیه می باشد و یادگاری از عبادتهای خالصانه حضرت زهرا علیها السلام می باشد که با ۳۴ مرتبه الله اکبر شروع ، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ سبحان الله به پایان می رسد.

عطر در جانماز معمولاً یادگاری از سفرهای زیارتی کربلا و مشهد و قم و دیگر اماکن مقدس زیارتی می باشد ، یادآور روزهای خوش هم جواری در کنار بارگاه مقدس ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. نمازگزار با استشمام این عطرها روحش را به یک زیارت معنوی می فرستد و هر چه بیشتر برای حضور در مقابل بارگاه ربوبی آماده می شود شاید به همین دلیل است که چند سالی متولیان حرم مطهر امام رضا علیه السلام عطرهاى مخصوص مضجع شریف و نورانی امام رضا علیه السلام و هم چنین رواق های حضرت را برای تهیه زائران حضرتش فراهم کرده تا نمازگزار با استشمام این عطرها حتی از هزاران کیلومتر آن طرف تر دلش را در یک پرواز معنوی ، حاضر در محضر امام رضا علیه السلام ببینید. این روایت شیرین ، که طمعش زیر زیان هر نمازگزار دلربایی می کند ، یک روایت عمومی برای همه زیارت هاست که خاطراتش همیشه از دوران کودکی تا پیری هزاران لبخند عارفانه را بر کنج لب های نمازگزار می نشاند . دو جز دیگر یک جانماز که روحانیتشان بالذات است و تکمیل کننده یه جانماز به معنای حقیقی خود است ، قرآن و مفاتیح می باشد. قرآن که کتاب مقدس مسلمانان است و به اعتقاد مسلمانان خداوند آیات قرآن را در شب قدر بر قلب خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به واسطه حضرت جبرئیل نازل کرده است و خواندن آن به خصوص در ماه رمضان بسیار سفارش شده است که بر طبق روایات خواندن یک آیه ی قرآن در این ماه برابر با ثواب ختم کل قرآن در ماههای دیگر است و مفاتیح که اسم کامل آن مفاتیح الجنان یعنی کلیدهای بهشت ، مجموعه ادعیه و اذکار و زیارتنامه های ائمه معصومین علیهم السلام می باشد که توسط شیخ عباس قمی جمع آوری شده است . امروزه قرآن و مفاتیح در طرح ها و اندازه های مختلف و با ترجمه های فارسی متعدد توسط حوزویان و دانشگاهیان چاپ می گردد و این دو در کنار یکدیگر زینت بخش جانماز ، نمازگزار است که جز به تقرب الی الله به امر دیگری توجه نمی کند.

تصویری که از جانماز ، نمازگزار ارائه شد ، تصویری عمومی بود از آنچه در بین اکثر نمازگزاران دیده می شود و شاید افراد با سلاقی مختلف و نیاز خود ، برای خود جانمازی با اجزاء متفاوت برای خود فراهم کنند چه بسا دیده شده است افراد در کنار قرآن و مفاتیح نهج البلاغه کتاب گهر بار امیرالمؤمنین علی علیه السلام و یا صحیفه سجادیه کتابی با دعاها و مناجات های عرفانی از امام سجاد علیه السلام را قرار می دهند.

این پسره مَث اینکته یه چیزیش همیشه ما باید از اون سمت بریم و میون این همه کاری که امروز رو سرمون ریخته، یه دقیقه هم یه دقیقه است، همین جور که به در مسجد نزدیک میشن تازه دوزارش میفته که، وقت

نماز. بچه ی خوبی بود اهل نماز اونم جماعت، تو خونه اگه بود حتمن می رفت نماز مسجد، همیشه با هم می رفتن، اما اون روز یه چیز جدید یاد گرفت، وسط همه درگیری های عالم، یه دلگیری هست اونم نخوندن نماز اول وقت. این دلگیری رو که واکنی انگار همه ی درگیری ها رفع شده باشه، رفاقت یعنی همین که هنوز بعد چهارده سال جونشون واسه همدیگه میره! حال و هوای فکرش با خوندن نماز جماعت عوض شد:

صدای اذان ، از مأذنه های مسجد به گوش می رسد. نمازگزاران از خانه هایشان به سمت مسجد حرکت می کنند. اقامه نماز در مسجد سبک خاص خود را دارد. نماز جماعت هم از جهت احکام نماز و هم فضای معنوی مسجد با نماز فرادا تفاوت دارد. نمازگزار همین طور که به سمت مسجد حرکت می کند صدای اذان پخش شده از مسجد را می شنود و چنانچه در آداب اسلامی آمده همراه با مؤذن ، الفاظ اذان را تکرار می کند تا بهترین استفاده را از شرایط پیش آمده را ببرد. حرکت به سمت مسجد و برخورداری از ثواب اذان گفتن و با این روش ثواب گامهائیش در مسیر حرکت به مسجد را چند برابر می کند. اکثر نمازگزاران با پای راست وارد مسجد می شوند و هنگام ورود به مسجد دهانشان را با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام خوشبو می کنند. عموم نمازگزاران بعد از ورود به مسجد با سایر نمازگزاران احوالپرسی می کنند که کمترین مقدار از این احوالپرسی به یک سلام و علیک سلام ختم می شود. یکی از رسوم که امروزه در مساجد دیده می شود اذان گفتن در داخل مسجد قبل از اقامه نماز جماعت است که توسط یکی از نمازگزاران مسجد اجرا می شود که اگر بخواهیم ارکان عرفی نماز جماعت را برشمریم شامل روحانی مسجد ، مکبر ، دعاخوان، نمازگزاران و اذان گو می باشد. مؤذن وقتی به الفاظ شهادت بر رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله می رسد آن را با صدای رساتری بیان می کند و بالطبع این صدای رسا همراه می شود با صلوات دسته جمعی نمازگزاران بر محمد و آل محمد علیهم السلام گویا این عمل برگرفته از این حدیث نبوی است که هرکس اسم را بشنود و صلوات نفرستد بر من جفا نموده است.

پس از تمام شدن اذان ، امام جماعت می ایستد و با خواندن اقامه نماز شرایط اقامه نماز جماعت را فراهم می کند . همزمان با خواندن اقامه نماز توسط روحانی مسجد ، مکبر که عموماً از نمازگزاران کم سن و سال مسجد می باشد خود را برای مکبری آماده می کند. اینکه مکبری از چه زمانی آمده و در مساجد به مکبری می پردازد نیاز به تحقیق جداگانه دارد اما آنچه که مشهود است ، مکبر کمک بسیاری در نظم بخشیدن به اقامه نماز جماعت می کند. این امر زمانی که یک نماز بدون مکبر برگزار می گردد به خوبی درک می شود. البته بعضی از مساجد با استفاده از میکروفن های کوچک و با بلند گفتن الله اکبر های نماز توسط روحانی مسجد کار مکبر را انجام می دهند که این سبک بیشتر در نمازخانه های ادارات دیده می شود.

اولین قدم برای ورود به نماز جماعت با گفتن این جمله در اقامه نماز ، که در اذان گفته نمی شود شروع می شود: «قد قامت الصلاة»

نمازگزاران با اقتداء به امام جماعت و گفتن الله اکبر وارد یک پرواز دسته جمعی به سمت قرب الهی می شوند. اینجاست که آدمی ناخودآگاه به یاد سیمرغ عطار می افتد که همه مرغان خود تجلی معرفت به خدا بودند، معرفت نفسی که منجر به معرفت الهی می شود. شاید وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت نیز در اینجا تعین و جلوه ای دیگر از خود را در زندگی معنوی به سبک نماز به نمایش می گذارد.

یکی از تفاوت های عمده نماز جماعت و فرادا در این است که در نماز جماعت، این امام جماعت است که حمد و سوره را می خواند و سایر نمازگزاران تنها به این قرائت گوش می دهند و مهم ترین و بارزترین جلوه ی نماز جماعت انجام ندادن ارکان و اعمال نماز زودتر از امام جماعت است. این یک درس بزرگ برای همه مسلمانان است که هیچ گاه در اعمال و رفتار خود جلوتر از امام و پیشوای خود حرکت نکنند. بعد از تمام شدن هر نماز، ادعیه هر نماز که در عرف فقهی به آن تعقیبات گفته می شود توسط دعاخوان مسجد خوانده می شود البته دعای سلامتی و فرج آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلام دادن به چهارده معصوم علیهم السلام جز دعاهای همیشگی و ثابت انتهای نمازهای جماعت است.

این هماهنگی و انجام اعمال و ارکان نماز جماعت و نظم بالذات آن تأثیر مستقیمی در شکل گیری فضای عمومی مساجد گذاشته است و همین تأثیر است که طعم وحدت را لذت بخش تر می کند. کتاب های دعای متحدالشکل، مهر های یک شکل و حتی فرش هایی با یک طرح و رنگ که زیر پای نمازگزاران است و طهارت و قداست خود را تا فرش های درون خانه ی فرد مسلمان می کشاند. این وحدت تا جایی پیش می رود که معماری و فضای هندسی مسجد و محراب همه، دسته جمع به گنبد و نقطه ی انتهایی گنبد در مرکز آن ختم می شود. آنچه در معماری مقدس اسلامی ظهور پیدا کرده است و نقطه ی اتکا و وحدت می باشد حقیقت محمدیه است که نقطه اتصال تمام نمازگزاران است، از مدیر تا کارمند، از تحصیل کرده تا بی سواد، از غنی تا فقیر، این همه بدون تفاوت دوشادوش هم در یک صف و در مقابل مقام توحید قرار می گیرند. این رفتار نمازگزاران یک جمله را مادام زمان تکرار می کند: همه هستند و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

آخ کمرم، بدجور خسته شدم، داستان نوشتنم کم الکی نیستا خیلی الکیه! همین که مجبور می شید لا به لاش مقاله ی من رو بخونید عالیه! تا چشتون در بیاد یه مجله ای، ماهنامه ای، فصلنامه ای درست کنید تا بنده خدایی ها مثلن من که از دست مثلن استاداشون نمره نمی گیرن، مقاله اشون رو بدن شما چاپ کنید تا هم خلق الله استفاده کنن، هم انگیزه شه واسه نوشتن، همه که استعداد داستان نویسی ندارن، دارن؟ همه هم حوصله مقاله علمی پژوهشی نوشتن ندارن، دارن؟ پس خیر الامور اوسطها یه چیزی بین این دوتا باشه نه در حد تیم ملی برزیل نه در حد تیم ملی خودمون، امون از دست این فوتبالی ها، که وقت و بی وقت دارن فوتبال

بازی می کنن بعضی اوقات فکر می کنم این صد هزار نفر جمعیتی که دارن فوتبال رو تو استادیوم پیگیری می کنن کی نماز می خونن؟ حالا تو فوتبالم قطع کن وسطش اذان پخش کن! نه بهتر همیشه تازه می زنی چشمشم کور می کنی! قبول کنید بعضی کارامون به بعضی ها دیگه اش نمی خونه، حالا شما هزاریم جشنواره بذاری و منم بنویسم فقط دست من خسته میشه و چشم شما کور! دروغ می گم بگو دروغ می گی! کجا بودم از مجله رسیدم به فوتبال، اینجور موقع ها میگن طرف رفته رو منبر، پایینم نیامد، حالا من از رو منبر میام پایین شما برید رو منبر:

آن قدر که نماز خواندن آسان است ، نماز نخواندن آسان تر است. کافی است تا مقداری گناه کنید آن وقت آسانی خواندن نماز برایتان به چنان مشکلی تبدیل می شود که توصیفش به راحتی امکان پذیر نیست. این نمونه ای از جملات زیبا و پندآمیزی است که معمولاً بعد از هر نوبت ، امام جماعت به نمازگزاران می گوید و با تفسیر قرآن یا شرح یک حدیث و یا بیان احکام شرعی همراه است که در عرف دینی اصطلاحاً به آن منبر می گویند.

منبر و ما أدراک منبر، این جمله ی شاید نغز ، حکایت از داستان ها و اتفاقاتی که از دل تاریخ تا کنون پیش آمده دارد. منبر یکی از اجزاء مساجد است که با توجه به فضای مسجد دارای اشکال مختلف و تعداد پله های کمتر یا بیشتر است و روحانی مسجد هنگام سخنرانی بالای آن می رود و به سخنرانی می پردازد. منبرها معمولاً دارای تزئین های خاص و منبت کاری های زیبا می باشد. اما خارج از شکل ظاهری منبر آن چه بیشتر از اصطلاح منبر و خود کلمه منبر شهرت دارد ، شخصی است که منسوب به آن منبر است چه بسا خیلی از مساجد امروزه به نام روحانی آن شناخته می شود و در زبان عرفی مردم چنین گفته می شود : پای منبر فلان عالم نشستیم یا اگر از کسی بپرسند کجا بودی ؟ می گوید پای منبر فلان عالم بودم . همین نوع خاصی و بیان نشان دهنده اهمیت منبر و ارتباط مستقیم آن با تعداد نمازگزاران یک مسجد دارد. گاهی افراد از مسیر های دور برای یک منبر به یک مسجد خاص می روند و سختی راه را برای استفاده از منبر یک روحانی خاص و ارتقاء معنوی خویش به جان می خرد. شاید آنچه بیشترین انگیزه را برای این حرکت ایجاد می کند، استفاده از نفس آن روحانی و یا گرفتن اذکار خاص بعد از سالها شاگردی کردن پای این منبر است. این نگاه به منبر یک نگاه خاص و به قدری غیر عمومی است اما آنچه به طور عمومی در مساجد دیده می شود این است که هرچه روحانی یک مسجد مردمی تر باشد و منبر خود را بهتر ارائه دهد، نشان از سطح علمی و معنوی او می باشد که نهایتاً منجر به افزایش تعداد نمازگزاران مسجد می شود. به علم امام جماعت از لحاظ شرعی نیز نگاه ویژه ای شده است و این مسأله در آنجا که دوروحانی در یک مجلس حاضر باشند ، اولین خصیصه برای امام شدن یکی و مأموم شدن دیگری ، توجه به علم آن دو می باشد و آن کسی که دارای سطح علمی بالاتری باشد ، شایستگی بیشتری برای امام شدن دارد. این مسأله خواه

ناخواه مورد توجه نمازگزاران است و نشان دهنده سطح آگاهی دینی و علمی نمازگزاران می باشد که تا چه به مسأله علم توجه دارند. این توجه و دقت نظر نمازگزاران در طول حیات مسجد همان چیزی است که مورد غفلت کسانی که با عرف مسجد آشنایی ندارند قرار گرفته است که بعضی از توصیف های نسنجیده از سوی بعضی از افراد ناشی از همین عدم توجه می باشد.

بدجور خوابم گرفته، اما نزدیک اذان صبح دیگه، دقیقن همین موقع هاست که سرعت اینترنت عجیب غریب میشه و به طور فزاینده ای اوج می گیره البته بی دلیل هم نیست و اونم نزول ولگردهای شب گرد تو رختخوابشون حول و هوش همین دقایق. موندم آدمی لباس انسانیت تنش کرده ولی یه ذره هم شعور نداره. خب برادر من ، خواهر من شما که تا الان بیدار بودی یه ربع دیگه هم روش، نماز صبحت رو بخون بعد برو بگیر بخواب. n تا ساعت با Friend های جدید گپ زدی یه min هم با Friend قدیمیت خدا گپ بز، نکنه خدا رو ignore کردی؟

نگفتم پاشو هر هفته برو نماز جمعه شرکت کن، گفتم پاشو عینهو بچه آدم وضو بگیر دو رکعت نماز صبح

بخون بَلْکَم یه نزدیکی و قربی به خدا حاصل بشه ، آقا اومده در گوش من میگه نماز جمعه چی هست !؟

روز جمعه یا عید جمعه یک روز عبادی برای مسلمانان است. نمازی که در این روز تعطیل خواندنش بر هر مسلمانی در زمان حضور معصوم علیه السلام واجب است نماز جمعه است که هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ کیفیت با نماز های معمولی تفاوت های شکلی و محتوایی دارد. نماز جمعه که از آن به نمازی عبادی سیاسی تعبیر می شود دارای دو خطبه است در خطبه اول درباره مسائل عبادی اخلاقی و در خطبه دوم درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان صحبت می شود. و بعد از این دو خطبه دو رکعت نماز به نیت نماز جمعه خوانده می شود، در رکعت اول آن سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون خوانده می شود البته با دو قنوت و کمی تفاوت در شکل متعارف نمازهایی که خوانده می شود و بعد از آن هم نماز عصر مشابه تمام نماز های یومیه خوانده می شود برگزاری نماز جمعه به خاطر ساختار سیاسی و نقشی که در افزایش آگاهی مسلمانان درباره اوضاع سیاسی پیرامونشان دارد قبل از انقلاب ممنوع بوده است این درحالی است که خواندن نماز جماعت در مساجد دارای محدودیتی نبوده است و این خود نشان دهنده اهمیت این نماز و تفاوت کارکرد آن با نماز جماعت می باشد و نقشی که در شکل دادن افکار عمومی دارد. خواندن نماز جمعه بعد از انقلاب در عرف دینی یک واجب تخییری است بدین معنا که فرد مسلمان مخیر است بین خواندن نماز ظهر و عصر به صورت فرادا و یا شرکت در نماز جمعه. از همین جا پیامد اجتماعی این نماز در سطح عمومی عرف دینی نمایان می شود و آن توجه به این مسأله است که در روز جمعه هیچ نماز جماعتی در مساجد برگزار نمی شود بلکه تمام مسلمانان در روز جمعه در یک مکان واحد جمع می شوند و به اقامه نماز جمعه می پردازند. در روز جمعه تمام نمازگزاران از سراسر مساجد یک شهر به سمت

یک نقطه واحد حرکت می کنند و در آخر هفته ، در روز عید جمعه تمام کثرت تعدادی خود را به کلمه توحید می بخشند و این بازخورد، نشئت گرفته از آن حرکت توحیدی است که هر مسجد درطول هفته ، علی رغم تمام کثرات ظاهری به سمت آن در حال تقرب است. نماز جمعه جلوه ای از واحدیت اتم فرد فرد نمازگزاران با معبود ستایش شدنی است ، واحدیتی که از بطن جامعه شهروندی سرچشمه می گیرد و از زبان امام جمعه دغدغه هایش شنیده می شود. این حرکت از کثرت به وحدت و از وحدت به کثرت ، آرامشی لذت بخش برای نمازگزار در طول هفته ای که پیش روست و قرار است حیات مادی و معنوی او را شکل دهد به ارمغان می آورد.

من که می گم استادت حتی یه بارم این رو نخونده، تا تیتیر مقاله رو دیده یک رو داده تازه گفته همینم زیادیشه! چه برسه به اینکه به اعتراضت گوش کنه و دوباره بخواد بخوندش. ادعاش جالب بود واسه نمره ندادن، مقاله اتون رفرنس نداره! اول اینکه کدوم یکی از اون هایی که بیست شدن مقاله هاشون رفرنس داشت، تازه اگه رفرنسم می خواستن بدن باید اینجوری می نوشتن **copy + paste** !

دومندش مگه آدم به قلم خودشم رفرنس میده، اینقد مغرور بود که حتی سوال نکرد، بدون اینکه بدون این متن ها رو خودم نوشتم نمره رو رد کرد، بعدش حالا هر چی من بنویسم و بگم دیگه فایده نداره، راست که میگن تو مسلک شما جماعت حرف نامرد یکی! تازه این جملات رو که می خونم دوست دارم سرم رو بکوبم به دیوار، قلمتان روان و ادبی است اما... نمی دونم پس انتظار داشتی با اون مقاله هایی که معرفی کردی و سبک درس دادنت مقاله علمی پژوهشی تحویل بگیری؟ اگه خدا هم بخواد به اندازه شما تو تحویل گرفتن نمازها سخت گیری کنه و به سبک شما نمره بده که هیچ، کلاه همه امون پس معرکه است. آره، حق داشتیم با اینکه یه ترم پیشتر درس خونده بودم این بیت حافظ رو واست ایمیل کنم:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست

اگه منصف باشم که هستم، با جوابت به این ایمیلیم یه کم خندیدم و آروم شدم و بی خیال فرستادن ایمیل های پشت سر هم منتقدانه و اعتراضی به نمره ام، وقتی نوشتید در اینکه شما اهل دل هستید شکی نیست اما ... امون از این اما ها، بی خیال اماهای شما، با خوندن این جمله که شما اهل دل هستید، یادم افتاد اهل دلا رو چه به بی دلا، یاد کسایی افتادم که واسه شما **case study** هستن و واسه من عین **study**. بله آقایون انسان شناسان دینی سراسر جهان و به خصوص استادنا مثلن! وقتی نمازخونا مورد مطالعه ای بشن میزنید تو جاده خاکی، راه رو یه جور دیگه ای میرید به قول خودتون سعی می کنید تا اونجایی پیش برید که پاتون رو بکنید تو کفش مورد مطالعه ای تون! خب من الان چی باید بگم که پام از بچگی تو کفش نمازخونا و نمازجماعت خونا بوده! من نماز رو اینجوری دیدم حالا شما خوشت نمیداد یک بده! ولی بدون، یکم که بدی نماز واسه من همیناییه که نوشتم.

نماز ، دنیایی از زیبایی معنوی به همراه می آورد. نماز من ، نماز شخصی فرد نمازگزار است که ظهور یافته از تمام جلوه های باطنی و ظاهری نماز از بطن یک جامعه شهری یا روستایی می باشد. تمام تعلیمات دینی و غیر دینی ، به صورت مستقیم و غیر مستقیم در نماز فرد تأثیر می گذارد، حتی یک گفت و گوی چند دقیقه ای یا انجام فعالیت های رومزه زندگی بی شک در شکل خواندن نماز تأثیر دارد. از همین جاست که تفاوت های معنوی افراد از سبک های مختلف زندگی ظهور پیدا میکند ، خواندن نماز در اول وقت یا آخر وقت ، شاید در یک نگاه از اهمیت چندانی برخوردار نباشد اما با بررسی عوامل این رفتار دینی اجتماعی پای تمام دغدغه های روزمره ، سیاسی ، اجتماعی ، فکری و عقیدتی فرد نمازگزار در وسط میدان مطالعه بازمی شود و آشکار شدن تمام این دغدغه ها در خواندن یک نماز ساده همان رازی است که رسول الله ﷺ آن را چنین توصیف می کند:

«الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»

